

درباره‌ی کتاب دین و اخلاق^۱

امیرحسین خداپرست^۲

دین و اخلاق، چنانکه از عنوان فرعی کتاب پیدا است، مجموعه‌ای از یادداشت‌های فیلسوفان معاصر برای نشریه‌ی نیویورک تایمز است. اصل انگلیسی این کتاب بسیار حجیم است و مجموعه‌ی ۱۳۳ مقاله‌ای را دربرمی‌گیرد که فیلسوفان برجسته‌ی معاصر در ستونی با عنوان «سنگ»^۳ در نشریه‌ی نیویورک تایمز نوشته‌اند. ترجمه‌ی فارسی حاوی ۲۳ مقاله‌ی اخلاقی و دینی این کتاب است که به قلم محدثه واضحی فرد ترجمه شده‌اند. این مقاله‌ها در قالب چهار عنوان فرعی تقسیم شده‌اند: «ایمان چیست؟»، «انواع اختلافات دینی»، «مسئله‌ی اخلاقی خدا» و «تعدادی مسئله‌ی اخلاقی جنجالی». ذیل هر عنوان فرعی چند مقاله گرد آمده‌اند.

مترجم کتاب در مقدمه‌ی کوتاهی که بر مقاله‌ها نوشته آورده است که این مجموعه می‌خواهد نشان دهد که فیلسوفان از جهان واقعی دور نیفتاده‌اند و فلسفه مشغولیتی غیرکاربردی نیست و «چه در دانشگاه و چه بیرون از آن ضروری است» (ص ۱). آنچه در کتاب گرد آمده گرچه درباره‌ی مسائلی امروزی در متن جامعه‌ی انسانی است، در درون خود بصیرتی می‌پروراند که بی‌زمان و بی‌مکان است، یعنی از حیث روش و نحوه‌ی اندیشیدن وجهی عام دارد که می‌تواند برای فلسفه‌ورزی در موضوعات متفاوت نیز مناسب و درخور باشد. به نظر می‌رسد هدف دبیران ستون سنگ در نیویورک تایمز، یعنی سایمون کریچلی و پیتر کتیانو، هم فراهم کردن چنین موقعیتی برای تأمل فلسفی انضمامی است. برخی از مهم‌ترین و نامدارترین فیلسوفانی که آثارشان در این مجموعه، و البته در ترجمه‌ی فارسی کتاب، منتشر شده عبارت‌اند از: گری گاتینگ، تیم کرین، ساموئل شفلر، سایمون کریچلی، پیتر سینگر، پل بوغوسیان، کریستین اورال و استفن آسما. در این معرفی اجمالی به صورت محتوایی اندیشه‌ی مطرح‌شده‌ی برخی از این فیلسوفان را در مقالات کوتاهی که برای ستون سنگ نوشته‌اند برمی‌رسیم.

گری گاتینگ در مقاله‌ی «فلسفه و ایمان» به این مسئله‌ی مهم بشری می‌پردازد که فلسفه و ایمان چه نسبتی با هم دارند. او می‌گوید «یکی از کارهای من به عنوان معلم دانشجویان باهوش و اغلب کاتولیک دوره‌ی کارشناسی این است که وادارشان کنم به چرایی باورشان به عقاید مذهبی فکر کنند» (ص ۷)؛ یعنی ببینند که چرا اندیشه‌ی دینشان را باید

^۱ این نوشته در معرفی این کتاب است: مجموعه‌ی نویسندگان، دین و اخلاق: مجموعه‌ای از یادداشت‌های فیلسوفان معاصر برای نیویورک تایمز، ترجمه‌ی

محدثه واضحی فرد، تهران: کرگدن، چاپ اول: ۱۳۹۸

^۲ عضو هیئت علمی مؤسسه‌ی پژوهشی حکمت و فلسفه‌ی ایران، khodaparast@irip.ir

^۳ The Stone

مهم بشمارند. او استدلال‌های اصلی خداپاورانه و خدا ناباورانه را به‌اجمال مرور می‌کند و توضیح می‌دهد که در حین طرح آن‌ها در کلاس درس با چه واکنشی از جانب دانشجویان مواجه می‌شود. در پایان، گاتینگ نتیجه می‌گیرد که «فلسفه و دین می‌توانند و باید با هم تعامل داشته باشند و کسانی که به اعتقاداتشان اهمیت می‌دهند لازم است به این پرسش‌ها بیندیشند و بحث‌های فلسفی جدید (بعد از هیوم و ویتگنشتاین) درباره‌ی دانش، اعتقاد، اطمینان و عدم‌توافق قویاً به چنین تأملاتی مربوط است» (ص ۱۲).

در مقاله‌ی «برخورد فرهنگ‌ها»، کارلوس فرنکل از این می‌گوید که چطور در طول اقامتش در قاهره، چند دوست دانشجوی تلاش می‌کرده‌اند او را از انحراف نجات دهند و مسلمان کنند. او از سیر بحث‌هایشان می‌گوید که در نهایت، در هیچ‌یک از طرفین به تغییر باور منجر نشد اما یک درس مهم برایش داشت: «من درباره‌ی بعضی از بنیادی‌ترین عقایدی که اساس روش زندگی و جهان‌بینیم هستند (از وجود خدا تا خیر بشر) درست و حسابی فکر نکرده‌ام. چالش دوستانِ مصریم وادارم کرد به این موضوعات به صورت جدی فکر کنم و از دیدگاه‌هایی دفاع کنم که هیچ‌گاه در محیط دانشجویی اروپایی که من از آن آمده‌ام مورد تردید قرار نگرفته‌اند» (ص ۴۴). به این ترتیب، فرنکل نتیجه می‌گیرد که برخورد فرهنگی از رهگذر واداشتن افراد به بازنگری در عقاید و اعمال و رویه‌های اساسیشان کمک می‌کند که آنان ارزش معرفتی و اخلاقی اختلاف‌نظرهای معرفتی را دریابند و از آن‌ها برای غنای ذهنی و فرهنگیشان استفاده کنند.

پیتر سینگر و آگاتا سگان در مقاله‌ای که با عنوان «آیا برای «قرص اخلاق» آماده‌ایم» نوشته‌اند، از تحقیقاتی تجربی می‌گویند که هدفشان بررسی ابعاد گوناگون رفتار اخلاقی است. با در نظر داشتن این تحقیقات، اگر بپذیریم که عوامل بیرونی می‌توانند در رفتار اخلاقی تغییرهایی قابل توجه ایجاد کنند، شاید لازم باشد که درباره‌ی نحوه‌ی تغییر رفتار اخلاقی از شخصی به شخص دیگر و حتی امکان ایجاد چنین تغییری بیشتر بیندیشیم. نویسندگان، به طور خاص، می‌پرسند «اگر تحقیقات دنباله‌دار روی مغز، در حقیقت، تفاوت‌های زیست‌شیمیایی را بین مغز کسانی که به دیگران کمک می‌کنند و مغز کسانی که به دیگران کمک نمی‌کنند نشان دهد، آیا این روند می‌تواند به یک «قرص اخلاقی» منجر شود- دارویی که باعث شود کمک کردن محتمل‌تر شود؟» (ص ۱۱۹). این پرسش خود موجب طرح پرسش‌هایی پردامنه‌تر می‌شود: آیا کسی تمایل دارد چنین قرصی مصرف کند؟ آیا می‌توانیم آن را به مجرمان بدهیم تا با مصرف آن، به جای اینکه لازم باشد روانه‌ی زندان شوند، بنا بر خواص دارو، در محیط عادی باشند و صرفاً به دیگران آسیب نرسانند. آیا حکومت‌ها می‌توانند مجاز باشند تا ارتکاب جرم را از این طریق کمتر کنند یا از طریق میزان مصرف چنین قرصی، افراد را زیر نظر بگیرند؟ مصرف این قرص با اراده‌ی آزادی که عمل اخلاقی را برمی‌گزیند چه نسبتی دارد؟ «اگر نقداً تفاوت‌هایی زیست‌شیمیایی بین ما وجود داشته باشد که با استفاده از آن‌ها بتوان پیش‌بینی کرد چقدر اخلاقی عمل خواهیم کرد، آنگاه یا چنین تفاوت‌هایی با اراده‌ی آزاد سازگارند یا شواهدی‌اند برای اینکه دست‌کم تا جایی که به بعضی

اعمال اخلاقی ما مربوط است، هیچ‌یک از ما اصلاً هیچ اراده‌ی آزادی نداشته‌ایم. در هر صورت، چه اراده‌ی آزاد داشته باشیم و چه نداشته باشیم، به‌زودی با گزینه‌های جدیدی درباره‌ی روش‌هایی که می‌خواهیم رفتار را برای بهتر شدن تحت تأثیر قرار دهیم روبه‌رو خواهیم شد» (ص ۱۲۰).

کریستین اورال در مقاله‌ی «قبل از بچه‌دار شدن فکر کنید» به مسئله‌ی اخلاقیِ خواستِ داشتنِ فرزند می‌پردازد. پرسش اصلی او در این مقاله این است که آیا برای تصمیم‌گیریِ فکورانه، به جای بی‌مبالاتی درباره‌ی این سرنوشت‌سازترین انتخاب بشر، روشی وجود دارد. تصمیم به داشتن فرزند تصمیمی غیرقابل برگشت است که برای همیشه زندگی فرد را تغییر می‌دهد. این تصمیم، فارغ از هر وجه دیگر، وجه اخلاقی پررنگی دارد. به نظر اورال، «تصمیم به بچه‌دار شدن مطمئناً مستحقِ حداقل همان اندازه تفکر است که مردم صرف اجاره‌ی یک ماشین یا خریدن یک خانه می‌کنند» و «اگر نتوانیم تأیید کنیم تصمیم به پدر و مادر شدن یا نشدن انتخابی واقعی است که مفهومی اخلاقی دارد، پس بچه‌دار شدن را بروز صرف سرنوشت زیستی فرض کرده‌ایم. به جای اینکه داشتن فرزند را امری بدانیم که زنان/انجام می‌دهند، کماکان آن را چیزی می‌بینیم که به‌سادگی برای زنان/تفاقی می‌افتد یا چیزی که صرفاً «طبیعی» و حیوانی است» (ص ۱۶۱). از این رو، اورال از ما دعوت می‌کند که پیش از هر اقدامی برای داشتن فرزند یا نداشتن آن، درباره‌ی وجوه اخلاقی آن بیندیشیم. ظاهراً او خود عاقبت از پس این اندیشه تصمیم گرفته است که دو فرزند داشته باشد.

نشریه‌ی فهرست کتاب^۱ در معرفی مجموعه‌ای که اینک ترجمه‌ی ۲۳ مقاله‌ی آن به فارسی در قالب کتاب *دین و اخلاق* در اختیار ما است نوشته است فیلسوفانی که در ستون سنگ نیویورک تایمز می‌نویسند کسانی هستند که مدت‌ها پس از اینکه سقراط شاگردانش را در آگورا^۲ به چالش می‌کشید، می‌کوشند نشان دهند فلسفه همچنان درگیر عمیق‌ترین دغدغه‌های ما است. مطالعه‌ی مقالات کتاب صحت این توصیف را آشکار می‌کند. پرسشی که اینک نزد ما درخور طرح است این است: آیا می‌توان انتظار داشت زمانی فرا برسد که فلسفه‌ورزان ایرانی هم بتوانند درباره‌ی عمیق‌ترین دغدغه‌های ما در زندگی روزمره‌مان بیندیشند و درباره‌ی آن‌ها برای مخاطبان عام بنویسند.

¹ Book List

² agora